

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور به مناسبت هفته کارگر - 7 اردیبهشت/ 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به شما برادران و خواهران عزیز، نیروهای ارزشمند شکوفائی و پیشرفت کشور؛ چهره‌های نجیب و متعهدی که یکی از دشوارترین بخشهای اداره‌ی کشور و پیشرفت کشور را برعهده گرفته‌اید و در راه سعادت این ملت، بار سنگین کار را بر دوش خودتان دارید حمل میکنید. خداوند قردان زحمات شما و تلاشهای شما باشد و ان شاء الله همه‌تان مشمول اجر و ثواب الهی باشید.

در مناسبت روز کارگر، معمول است که صاحبان قلم و بیان و گویندگان و نویسندگان به مناقب قشر کارگر میپردازند؛ که البته بجا است. با قطع نظر از اینکه گفتن و نوشتن چقدر در بالا بردن و ارتقاء بخشیدن به رتبه‌ی کارگر دارای ارزش و اهمیت است، منقبت اصلی و محوری برای نیروی کار در يك جامعه این است که کارگر با تن خود، با جان خود، با مغز خود، حرکت پیشرفت کشور و آسایش مردم را تأمین میکند. درست است که عوامل دیگری هم در این عرصه مؤثرند - مانند نیروی سرمایه، نیروی مدیریت - و در جای خود باید قدر آنها هم دانسته شود، ولی کارگر این کار را با جسم و جان خود انجام میدهد؛ این يك ارزش مضاعف است.

اگر در يك کشوری نیروی انسانی کار نباشد، یا ضعیف باشد، یا غیر ماهر باشد، یا فکر او و ذهن او دستخوش جریانات سیاسی گوناگون باشد، آن کشور فلج خواهد شد. شما مجموعه‌ی کارگری کشور ستون فقراتید، و به طور عمده شما هستید که از فلج شدن کشور جلوگیری میکنید؛ این باید دانسته شود، این را باید همه‌ی مردم بفهمند و بدانند. هم در عرصه‌ی فرهنگ‌سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند؛ هم در عرصه‌ی عملی، قانونگذاران و مجریان باید به طور دائم این عناصر را مورد توجه قرار دهند. اگر قشر کارگر در يك کشوری برخوردار از رفاه بود، برخوردار از امید بود، برخوردار از امنیت شغلی بود، حرکت این کشور به سوی پیشرفت، آسان خواهد شد؛ این يك حقیقتی است؛ این را باید همه‌ی ما درک کنیم.

بنده اعتقاد دارم که در کشور ما اهمیت طبقه‌ی کارگر حتی از این هم بالاتر است. آنچه گفته شد، مربوط به همه جا است، مربوط به همه‌ی کشورها است؛ اما در اینجا يك چیز مضاعفی هم وجود دارد و آن این است که کارگران علاوه بر انجام دادن وظائف شغلی، وظائف انقلابی و کشوری را هم خوب انجام دادند. هم در آغاز انقلاب و پیروزی انقلاب، حرکت عظیم کارگران یکی از کلیدهای فتح بود - کارگران شرکت نفت و غیره و غیره - هم در دوران جنگ تحمیلی. در جبهه، به هر طرف انسان نگاه میکرد، جوانان کارگر، میانسالان کارگر، خلأها را پر کرده بودند. در جریانات گوناگون سیاسی هم، کارگرها اسیر اغوای کسانی نشدند که میخواستند مجموعه‌ی کارگری را در مقابل انقلاب و در مقابل نظام اسلامی قرار دهند. اینها چیز کمی نیست. البته خیلی‌ها این حقایق را نمیدانند؛ ما از نزدیک لمس کردیم.

من در همان روزهای پیروزی انقلاب، در يك مجموعه‌ی کارگری در قسمت غرب تهران، خودم شخصاً حضور پیدا کردم؛ دیدم دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب چه کار دارند میکنند؛ چه طرحهایی، چه برنامه‌هایی، چه نقشه‌هایی دارند؛ برای اینکه در همین آغاز کار، در همین ابتدای سر زدن اولین پرتوهای انقلاب بتوانند به وسیله‌ی قشر کارگر، نفوذ سیاسی وابسته‌ی خودشان به برخی از قدرتها را تحکیم کنند. این را من از نزدیک دیدم. و در مقابل دیدم که طبقه‌ی کارگر مؤمن ما، به برکت ایمان، به برکت اعتماد به امام بزرگوار و به روحانیت، با چه صراحتی، با چه شجاعتی در مقابل آنها ایستاد؛ و این در طول سالهای متمادی تکرار شد. امروز سی و چهار سال از آن روزها میگذرد. خیلی‌ها خواستند، تلاش کردند، پول خرج کردند، برای اینکه بتوانند طبقه‌ی کارگر را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند؛ اما طبقه‌ی کارگر ایستاد؛ این خیلی مهم است. اینها ارزش مجموعه‌ی کارگری ما را، ارزش انسانی‌شان را، ارزش انقلابی‌شان را، ارزش تمدنی‌شان را برای ما روشن میکند؛ اینها باید فرهنگ شود؛ این را باید همه بدانند، همه بفهمند؛ و شما کارگرها باید افتخار کنید.

خب، ما سال گذشته گفتیم حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. این قضیه که در یک سال تمام نمیشود. حالا دوستان و مسئولان گزارشهایی میدهند که این کارها انجام گرفته است؛ خیلی خوب، خداوند به هر کاری که با نیت صحیح انجام میگیرد، برکت بدهد؛ ولی باید کار به صورت جدی و محوری دنبال شود؛ این به عهده‌ی همه‌ی مردم است. این فرهنگ‌سازی که عرض کردیم، یک بخش مهمش اینجا است.

ما گفتیم: تولید داخلی؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. این معنایش این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمها را به خودش جلب نکند. همه بدانند که این محصولی که دارند میخرند، میتواند یک کارگر ایرانی را برخوردار کند؛ میتواند او را محروم کند، یک کارگر خارجی را برخوردار کند. البته ما همه‌ی بشریت را دوست داریم، اما خب کارگر ایرانی دارد برای سربلندی این کشور تلاش میکند؛ جزو مغتنم و عزیز پیکره‌ی این ملت است؛ او را باید تأیید کرد، او را باید تقویت کرد. بعضی‌ها این را نمیفهمند و درک نمیکنند، یا برایشان نشانه‌ی تولید ایرانی و تولید خارجی فرق نمیکند؛ یا حتی بعکس، به جای اینکه دنبال نشانه‌ی تولید ایرانی بگردند، دنبال نشانه‌های تولید خارجی میگردند؛ این انحراف است، این خطا است. همه‌ی مردم مخاطب این بیاند.

من تأکید میکنم، اصرار میکنم، از همه‌ی ملت ایران درخواست میکنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم‌اهمیتی نیست؛ این یک کار بزرگ است. البته دستگاه‌های حکومتی و دولتی - دولتی به معنای عام - در این جهت وظیفه‌ی مضاعف دارند. فلان وزارتخانه، فلان سازمان، فلان اداره وقتی میخواهد جنس داخلی خودش را تأمین کند، مطلقاً باید از جنس خارجی استفاده نکند؛ بروند سراغ تولیدات داخلی. البته از این طرف هم از تولیدکننده‌ی داخلی - چه آن مدیر، چه آن کارگر، چه آن سرمایه‌گذار - خواسته میشود و اصرار میشود که کار را تمیز، درست و کامل ارائه دهند. هر دوی اینها اشاره‌ی اسلام و دستور دین مقدس ما است. استحکام کار را خدا از ما خواسته است، احترام به کارگر را هم خدا از ما خواسته است؛ امنیت زندگی و شغلی کارگر را خدا از ما خواسته است، امنیت سرمایه را هم خدا از ما خواسته است.

اینها وقتی در کنار هم مورد ملاحظه قرار بگیرند، این افراط و تفریطهایی که با نامهای گوناگون به وجود آمد، چه در منطقه‌ی فعالیت اقتصاد لیبرال و به قول خودشان آزاد - آزاد یعنی آزاد برای سرمایه‌دار، اما زندان و حبس و فشار برای طبقه‌ی مظلوم و فقیر؛ که امروز شما دارید در اروپا واکنشها و بازخوردهایش را ملاحظه میکنید - و چه در عرصه‌ی سوسیالیسم، به وجود نمی‌آید. بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد لیبرال همین حوادثی است که امروز در اروپا و به شکل دیگری در آمریکا وجود دارد. در میدان عمل و در عرصه‌ی تجربه، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد که غلط است، ناکام است؛ حتی به سود خود آن طبقاتی که این اقتصاد برای حمایت از آنها به وجود آمد، نیست. حالا طبقه‌ی کارگر که سالهای متمادی در آنجاها لگدمال میشد، اما حتی به سود خود سرمایه‌دار و بانکدار و صاحبان کارتلها و تراستها هم نیست؛ و این هنوز اول کار است، بعد از این بدتر هم خواهد شد. هی وعده میدهند که درستش میکنیم؛ نخواهند توانست درست کنند. این راه، راه سرایشب لغزان است؛ دارند میروند پائین، و این یک بخشی از تزلزل تمدن مادی و غلط غرب است؛ بخش اخلاقی و اعتقادی و نظری و فکری‌شان هم که جدا است. اینها برای ما تجربه است. آن بخش عرصه‌ی سوسیالیسم و اینها هم که خب، سالها پیش ناتوانی و ناکامی‌اش ظاهر شد.

اسلام نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار به همه‌ی عرصه‌ها دارد، از جمله به این عرصه؛ هم رعایت این طرف، هم رعایت آن طرف؛ برادری اینها با همدیگر، نه تضاد آنها؛ و همه متوجه به تکلیف الهی و به این که خدای متعال ناظر و حاضر است. اینها باید بشود فرهنگ زندگی ما، و همین جور عمل کنیم.

ما عرض کردیم «حماسه‌ی سیاسی» و «حماسه‌ی اقتصادی». حماسه‌ی اقتصادی فقط دست دولت نیست؛ البته برنامه‌ریزی‌های دولت مؤثر است. حماسه یعنی واقعه‌ی جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور مورد نظر قرار دهند؛ ضعفها را، خلأها را پُر کنند؛ اول بشناسند. در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها باید زندگی و معیشت طبقات ضعیف مورد توجه قرار گیرد؛ بعد برای آنها برنامه‌ریزی کنند. این میشود حماسه. آحاد مردم، چه در مصرفشان، چه در تولیدشان؛ بخشهای مولد یک جور، بخشهای مصرف‌کننده یک جور، بخشهای خدمات یک جور؛ بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است، خلق حماسه لازم است؛ آن وقت کشور پیش خواهد رفت، استقرار پیدا

خواهد شد. حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، دو توأم‌اند؛ هر کدامی دیگری را تقویت میکند و حفظ میکند و نگه میدارد.

ما که اول سال عرض کردیم حماسه‌ی سیاسی و اقتصادی، فهمیدیم چه داریم میگوئیم؛ دشمن هم فهمید که ما چه داریم میگوئیم. دشمن با تحریم و با فشار اقتصادی گوناگون سعی کرد مردم را از میدان خارج کند. میگویند که ما با مردم دشمن نیستیم. دروغ میگویند؛ راحت، با وقاحت! بیشترین فشار برای این است که مردم ناراحت شوند، مردم در تنگنا قرار بگیرند، مردم زیر فشار قرار بگیرند، شاید بتوانند به این وسیله بین مردم و نظام اسلامی فاصله ایجاد کنند. هدف، فشار بر مردم است. اگر چنانچه این حرکت عظیم اقتصادی، این جهش اقتصادی، این برنامه‌ریزی درست، چه در بخش قانونگذاری، چه در بخش اجرا، در سطوح مختلف، مورد توجه قرار بگیرد، همه‌ی این فشارها خنثی خواهد شد. ملت ایران و مسئولان کشور باید با عزم راسخ، دشمن را مأیوس کنند.

حماسه‌ی سیاسی هم همین جور است. حماسه‌ی سیاسی یعنی حضور آگاهانه‌ی مردم در صحنه‌ی سیاست کشور و مدیریت کشور؛ نمونه‌ی بارزش همین حادثه‌ی انتخابات است که اندکی بعد ان‌شاءالله به توفیق الهی، در وقت مقرر، با حضور و شرکت شوق‌آفرین مردم انجام خواهد گرفت. آنها چون فهمیدند هدف حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی چیست، از همین حالا به خیال خودشان شروع کرده‌اند به تخریب کردن. امروز انواع و اقسام تبلیغات وجود دارد برای اینکه در عرصه‌ی اقتصادی، مردم را دچار یأس و نومیدی کنند؛ در عرصه‌ی سیاسی، انگیزه‌ی مردم را از حضور در میدان سیاست و بالخصوص در میدان انتخابات کاهش دهند. آنها ملت ایران را نشناخته‌اند. این حرکت عظیم ملت ایران در عرصه‌های مختلف، نتوانسته غفلت و بی‌اطلاعی طراحان و سیاستگذاران پشت پرده‌ی استکبار را به خود بیاورد و متوجه کند؛ نمیدانند با کی طرفند. در طول این سی و چند سال، این ملت، با این همه معارضه، با این همه دشمنی، ایستاد. مسئولین اگر يك جا از خودشان ایستادگی نشان دادند، به پشتوانه‌ی مردم بود، به پشتیبانی مردم بود. آفرین اول مال مردم است، تحسین بزرگ متعلق به مردم است؛ اینها بودند که به مسئولین دل دادند، پشتگرمی دادند تا بتوانند در مقابل زورگوئی‌ها و فشارها و افزون‌طلبی‌های دشمنان و مستکبران بایستند؛ آنجائی که ایستادند. امروز هم همین جور است، در آینده هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود. مسئله‌ی انتخابات، مسئله‌ی مهمی است. عرصه‌ی انتخابات، عرصه‌ی ظهور قدرت ملی در يك کشور است. ملتی که زنده است، بانشاط است، متکی به اراده‌ی الهی است، مطمئن به پشتیبانی الهی است، این ملت در همه‌ی عرصه‌ها پیروز خواهد شد؛ در این عرصه هم همین جور است.

ما عرض کردیم سلاطین مختلف و هر کسی که احساس میکند توانائی دارد، بیايد وسط میدان؛ توده‌ی مردم و جمعیت عظیم ده‌ها میلیونی ملت هم ان‌شاءالله وارد میدان خواهند شد؛ اما در محاسبه، آن کسانی که داوطلب میشوند، اشتباه نکنند؛ بدانند مدیریت اجرائی کشور یعنی چه. نه در ارزیابی نیازی که کشور به يك قدرت اجرائی دارد، اشتباه کنند، نه در ارزیابی توان خودشان اشتباه کنند. اگر چنانچه ارزیابی درستی انجام دادند، بیايند توی میدان؛ ملت هم نگاه میکند، انتخاب میکند.

سازوکار انتخابات در کشور ما، سازوکار مستحکمی است. اینکه گوشه و کنار بعضی‌ها اعتراضهائی میکنند، واقعاً غیر منطقی است؛ واقعاً بیجا است. حضور شورای نگهبان در قانون اساسی - که امام هم مکرر روی آن تأکید میکردند - حقیقتاً يك حضور مبارکی است. تشخیص شورای نگهبان، تشخیص يك عده انسانهای عادل، بی‌طرف و بصیر نسبت به صلاحیتها است؛ این يك چیز مبارکی برای ما و برای همه‌ی آحاد ملت است. بعد در بین این کسانی که تشخیص داده شد صالحند، مردم میگردند، تحقیق میکنند، از افراد میپرسند، از آدمهای مورد اعتماد سؤال میکنند، به سوابق نگاه میکنند، به شعارها نگاه میکنند، به حرفها و گفته‌ها نگاه میکنند، سپس تصمیم‌گیری میکنند.

نامزد انتخابات اولاً باید به خدا و به این انقلاب و به قانون اساسی و به این مردم ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ ثانیاً دارای روحیه‌ی مقاوم باشد. این ملت اهداف بلندی دارد، کارهای بزرگی دارد، تسلیم نیست، کسی نمیتواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسانی که در رأس قوه‌ی اجرائی قرار میگیرند، باید کسانی باشند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرطهای لازم است. ثالثاً انسانهای با

تدبیری باشند، با حکمت باشند. ما در سیاست خارجی گفتیم «عزت و حکمت و مصلحت»؛ در اداره‌ی کشور هم همین جور است، در مسائل داخلی هم همین جور است، در اقتصاد هم همین جور است؛ باید با برنامه، با حکمت، با تدبیر، با نگاه بلندمدت و همه‌جانبه، با یک هندسه‌ی صحیح کارها را مشاهده کنند، نگاه کنند، وارد میدان شوند. روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه‌ی بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه‌ی دنیا، آن گوشه‌ی دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است. رئیس جمهوری که میخواهد این کشور بزرگ را اداره کند، این راه پرافتخار را به کمک مردم و برای مردم طی کند، باید اینچنین خصوصیتی داشته باشد. رابعاً باید تهذیب اخلاقی داشته باشد؛ نپرداختن به حواشی. اینها چیزهای لازمی است. بنده توصیه‌ام به همه‌ی دولت‌ها همیشه همین بوده است. میدانید من از دولتها و از رؤسای جمهور در طول این سالهای متمادی همواره حمایت کردم؛ توصیه هم کردم، در موارد متعدد و زیادی از آنها توضیح هم خواستم. تکیه این بوده است که برای مردم هزینه درست نکنند، مشکل درست نکنند، دغدغه‌آفرینی نکنند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکنند؛ البته وعده‌ی بیخود و بی‌مبنا هم ندهند، در باغ سبزه‌های بی‌منطق هم باز نکنند؛ منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل به خدای متعال حرکت را پیش ببرند؛ ان‌شاءالله در آینده هم باید همین جور باشد. آنچه که ما از تجربه‌ی سالهای طولانی انقلاب فهمیدیم، این است که خدای متعال با فضل خود، با هدایت خود، این ملت را بر همه‌ی دشمنانش غالب خواهد کرد؛ دشمنان، خودشان تصدیق خواهند کرد - همچنان که امروز دارند تصدیق میکنند - و هر کسی که با این ملت، با این حرکت عظیمی که کرده است، با این انگیزه‌ی ایمانی عمیقی که در این ملت هست، دربیفتد، قطعاً برخواهد افتاد.

از خداوند متعال میخواهیم که آینده‌ی این ملت عزیز را و این کشور را از گذشته‌ی او روزبه‌روز بهتر کند و پیروزی‌های پی‌درپی را نصیب شما مردم عزیز بکند. ان‌شاءالله طبقه‌ی کارگر، قشر کارگر، مجموعه‌های عظیم کارگری بتوانند افتخاراتی را که تا امروز آفریده‌اند، در آینده آنها را مضاعف کنند و ان‌شاءالله چهره‌ی درخشان نیروی کار و کارگر، بیش از پیش در بین مردم ما روشن شود.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته